

برنامه درسی جغرافیا در کشور ما در حال تحولی همه جانبه است که نتایج آن را می توان به شکل تدوین راهنمای برنامه درسی جامع جغرافیا برای کلیه دوره های تحصیلی و تدوین تدریجی برنامه های درسی جغرافیا برای هر پایه و سپس تألیف و ظهور کتاب های درسی جدید مشاهده نمود.

یکی از مراحل و اجزای مهم هر برنامه درسی مرحله اجراست. انتخاب و سازماندهی تجارب یادگیری، روش های تدریس و آموزش معلمان متناسب با اهداف برنامه درسی و انتخاب راهبردهای مناسب یاددهی - یادگیری از جمله موارد مهمی است که با توجه به عامل اجرایی برنامه باید به اندازه کافی مورد مطالعه قرار گیرد زیرا در غیراینصورت برنامه درسی به اهداف خود نخواهد رسید و نتایج مورد انتظار حاصل نخواهد شد.

کتاب «راهکارهای آموزش جغرافیا» نوشته سیاوش شایان، مهدی چوبینه و منصور ملک عباسی که در سال ۱۳۷۷ توسط انتشارات شورا در ۱۶۸ صفحه به چاپ رسیده است، حاوی مطالب تازه و ارزشمندی در زمینه آموزش جغرافیا می باشد. مؤلفان با استفاده از منابع معتبر گوناگون و همچنین سوابق آموزشی و پژوهشی طولانی خود توانسته اند در کشور ما که علیرغم پیشرفت روزافزون در دانش جغرافیا و مطالعات جغرافیایی، دچار کمبودهای محسوس تحقیق، پژوهش و تألیف در زمینه آموزش این رشته است، دست به اقدامی ارزنده بزنند. برای آنکه جایگاه ارزشمند کتاب و سودمندی تألیف چنین اثری در تحولات امیدبخش آموزش جغرافیا در شرایط کنونی به خوبی روشن گردد باید به وضعیت و مسائل مربوط به برنامه های درسی جغرافیا نظری افکند.

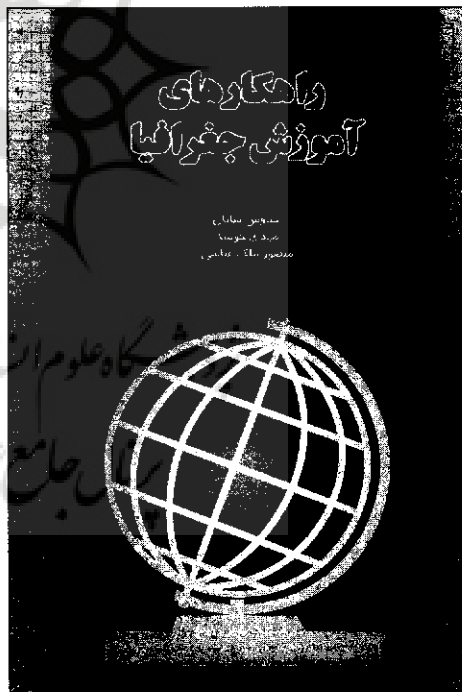
جغرافیای امروز جغرافیای کاربردی است که وظیفه خود را دیگر تنها بیان و توصیف وضع موجود نمی پندارد بلکه به بررسی و مطالعه وضع موجود یعنی کنش های متقابل عوامل مختلف طبیعی و انسانی در بستر مکان ها می پردازد تا برای انبوه مسائل جغرافیایی راه حل ارائه کند و در خدمت توسعه و بخصوص توسعه پایدار درآید.

بدیهی است با اتخاذ چنین رویکردی نسبت به دانش جغرافیا دیگر نمی توان بر دل مشغولی های برنامه ریزان درسی کشورها که خود را ملزم و معتقد به تغییرات متناسب در آموزش این علم می بینند خرده گرفت.

نیروی محرکه علوم جدید نیازهای اجتماعی است و برنامه های درسی نیز باید مطابق با نیازهای جدید اجتماعی طراحی و برنامه ریزی شود. از آنجایی که تحلیل و تصمیم گیری درباره بسیاری از موضوعات عمده ای که دنیای ما با آن مواجه است نظیر حرکات جمعیت، غذا و گرسنگی، شهرنشینی، تفاوت های اجتماعی و اقتصادی، فقر، محدودیت منابع، تخریب محیط زیست، کاربری اراضی و امثالهم و پیامدهای ناشی از این مسائل در فضاهای زیستی بعد جغرافیایی

راهکارهای آموزش جغرافیا

راهنمایی سودمند برای کاربرد شیوه هایی نوین



■ راهکارهای آموزش جغرافیا
■ سیاوش شایان، مهدی چوبینه و منصور ملک عباسی
■ تهران، نشر شورا، ۱۳۷۷، ۱۶۸ ص

● ناهید فلاحیان

قوی دارند، مربیان و معلمان جغرافیا وظیفه و مسئولیتی سنگین می‌یابند تا برای ایجاد دنیایی بهتر با اعتماد به نفس بخشیدن به نسل جوان و هدایت و پرورش شهروندانی آگاه و مسئول تلاش کنند.

آموزش جغرافیا در درک و فهم مسائل و مشکلات محیطی و ارائه راه حل‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه نقش به‌سزایی دارد. آموزش جغرافیا می‌تواند دانش‌آموزان را به درک فرآیندها و ساختارهای مربوط به توسعه قادر سازد. شناخت نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و موقعیت‌های مکانی و مکان‌ها به‌عنوان بستر این نظام‌ها، تاثیر شرایط طبیعی بر فعالیت‌های انسانی و تغییر محیط‌های طبیعی بر مبنای تکنیک‌ها، ارزش‌های فرهنگی و نظام‌های اقتصادی-اجتماعی و بالاخره دستیابی به طیف وسیعی از مهارت‌های جغرافیایی و به‌کارگیری آنها در زندگی خصوصی و اجتماعی از طریق آموزش جغرافیا حاصل می‌شود.

از طرفی در امر حصول به توسعه متوازن و پایدار، توسعه همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی که منافع نسل‌های آینده را نیز تأمین کند، یکی از مؤلفه‌های مهم آگاهی و مشارکت انسان‌ها است که از آن به «فرهنگ توسعه» تعبیر می‌شود و آموزش جغرافیا در کسب و توسعه این فرهنگ نقش به‌سزایی دارد.

هرچند در یکی دو دهه اخیر دانش جغرافیا در ایران روح تازه‌ای یافته است و تحول به سمت جغرافیای نوین و کاربردی را تجربه می‌نماید و این حرکت را می‌توان با تألیف و نشر کتب متعدد به همت اساتید دلسوز جغرافیدان، ایجاد مراکز پژوهشی متعدد در سراسر کشور، تجهیز بیشتر دانشگاه‌ها به ابزار پیشرفته، تربیت دانشجویان جغرافیا در رشته‌های کاربردی و همکاری اساتید و دانشجویان جغرافیا به عنوان متخصصین ذیصلاح با نهادهای علمی و اداری کشور نظیر سازمان هواشناسی، وزارت مسکن، شهرداری‌ها، جهادسازندگی و ... مشاهده نمود، اما متأسفانه در این راستا به «آموزش جغرافیا» مانند آموزش سایر علوم در سطوح قبل از دانشگاه و چه بسا در سطح دانشگاه نیز، بهای لازم داده نشده است. بدین ترتیب خلاء رشته‌های مربوط به آموزش دروس مختلف منجمله آموزش جغرافیا و برنامه‌ریزی و تربیت متخصصین مربوطه که از یکطرف با مبانی دانش جغرافیا و از سوی دیگر با مبانی و فلسفه آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی درسی مجهز باشند، همچنان باقی مانده است.

لذا در اینجاست که سودمندی حرکت و تلاش افرادی نظیر مؤلفان کتاب «راهکارهای آموزش جغرافیا» که به لزوم تغییرات فوق‌بآوری عمیق دارند و خود از فعالان برنامه‌ریزی درسی نوین می‌باشند در جهت فراهم آوردن منابع قابل استفاده و راهگشا برای عمل و اجرا، مشخص می‌گردد.

نتیجه عدم توجه لازم به امر آموزش جغرافیا، حاکمیت قالب سنتی توصیف مکان‌ها و به خاطر سپردن مجموعه‌ای از اطلاعات و اسامی است که کم و

بیش به مدت طولانی در آموزش جغرافیای مدارس ما حاکم بوده و سرانجام اشاعه نگرش غلط مبنی بر فقدان کارایی دانش جغرافیا و بی‌اعتباری این درس در اذهان دانش‌آموزان و جامعه و همچنین عدم توجه کافی به پرورش مهارت‌ها و شیوه‌های تفکر خلاق در جستجوی راه حل‌ها و کاربرد این دانش بوده است.

در سال ۱۳۷۵ با استفاده از تجربیات و دستاوردهای حاصل از سمینارها و کارگاه‌های آموزشی متعدد و نشست‌ها و جلسات متعدد دبیران متعهد جغرافیا و مجموعه اسناد و تحقیقات که همگی بر لزوم برنامه‌ریزی نوین و متناسب تأکید ورزیده‌اند و با تشکیل شورای برنامه‌ریزی آموزش جغرافیا در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، راهنمای جامع برنامه درسی جغرافیا برای کلیه دوره‌های تحصیلی تدوین گردید و سپس به تدریج برنامه‌های راهنما برای هر پایه تحصیلی با جزئیات لازم و بر مبنای برنامه کلی استخراج و کتاب‌های درسی جدید متولد می‌شدند.

یقیناً تغییر در هر مرحله نیاز به تغییر در بینش‌ها و باورها دارد. در مقدمه کتاب «راهکارهای آموزش جغرافیا» آمده است که یکی از اجزای برنامه درسی موفق و تازه، توجه به عوامل اجرای برنامه است و معلمان و دبیران و دانش‌آموزان و کارکنان آموزشگاه‌ها و والدین دانش‌آموزان و ... باید برای اجرای برنامه جدید توجیه شوند و به ابزارها و اطلاعات مورد نیاز برای اجرای برنامه مجهز گردند. در همین راستا تدوین کتاب «راهکارهای آموزش جغرافیا» به انجام رسیده که هدف آن آگاه ساختن معلمان و دبیران از شیوه‌های نوین آموزش جغرافیا، ارزش و چگونگی انجام بازدهی‌های علمی، نحوه ارزشیابی این درس و بالاخره طراحی تدریس می‌باشد.

معلمان مهم‌ترین رکن آموزش و همچنین اجرای یک برنامه درسی می‌باشند و در این گذار باید دانش خود را جهت آموزش صحیح‌تر ارتقاء بخشند. وقتی تصمیم به تبدیل حضور جغرافیا از یک دانش توصیفی به یک علم کاربردی با توانمندی‌های قابل ملاحظه گرفته می‌شود، در کنار ایجاد چنین دیدگاهی باید در تغییر روش‌های آموزش جغرافیا نیز تلاش کرد تا کلاس‌های خشک و بی‌روح را که تنها معلم فرمانروای مطلق است به کلاس‌هایی که دانش‌آموزان به صورت فعال در جریان یادگیری دخالت دارند تبدیل نمود. ایجاد امیدواری و انگیزش، پرورش روحیه انتقادی، تفکر خلاق و مهارت‌های ذهنی و عملی و ایجاد حس مسئولیت نسبت به محیط زیست با بکارگیری مناسب روش‌های تدریس و ارزشیابی و آگاهی همه‌جانبه از سوی معلمان میسر می‌شود.

از آنجائی که تاکنون اغلب برنامه‌های ضمن خدمت و آموزش معلمان بر محور سخنرانی اساتید پیرامون موضوعات تخصصی پایه‌گذاری شده و به روش‌ها و راهکارها کمتر توجه شده است، تألیف کتاب «راهکارهای آموزش جغرافیا» راهنمایی سودمند برای کاربرد روش‌ها و شیوه‌های نوین توسط معلمان فراهم

«جغرافیای امروز به بررسی و مطالعه وضع موجود یعنی کنش‌های متقابل عوامل مختلف طبیعی و انسانی در بستر مکان‌ها می‌پردازد تا برای انبوه مسائل جغرافیایی راه‌حل ارائه کند و در خدمت توسعه، بخصوص توسعه پایدار درآید.»

کتاب دارای چهار فصل است. در فصل اول، روش‌های تدریس (۱۴ روش) تا حد تفصیل توضیح داده شده و چگونگی اجرای آنها قدم به قدم تا مرحله ارزشیابی بیان شده است. توضیح و تفصیل برخی روش‌های فعال و نوین مانند روش اکتشافی - کاوشی، روش حل مسأله، روش بیان افکار و ایده‌های آنی و ... آگاهی مناسبی در اختیار مدرس جغرافیا می‌گذارد تا بتواند روش‌های متناسب و متنوعی را برحسب نیاز و موضوع برگزیند و از یکنواختی قالب مرسوم یعنی روش سخنرانی دوری جوید و عرصه یادگیری را به فضایی فعال که در آن یادگیری پایدارتری به وقوع خواهد پیوست، بدل کند.

از نکات مثبت و ارزشمند این فصل ارائه یک سیاهه (چک لیست) مخصوص برای هر روش است که با استفاده از آن معلم می‌تواند هم فعالیت دانش‌آموز و هم کار خود را برحسب روش تدریس بکار گرفته شده، مورد ارزشیابی قرار دهد. در جمع‌بندی نهایی از مبحث روش‌های آموزش جغرافیا مؤلف نتیجه‌گیری می‌کند که معلم جغرافیا برحسب عوامل مختلف می‌تواند نوع روش تدریس مورد نظر را برای هر مبحث انتخاب کند و آن را به اجراء بگذارد و معلمان مبتکر و خلاق جغرافیا می‌توانند با جرح و تعدیل روش‌ها یا ادغام آنها در یکدیگر روش‌های مناسب‌تری نیز پدید بیاورند.

فصل دوم کتاب نظر به اهمیت که روش بازدید علمی به جهت عینی و مستقیم بودن آموزش و مؤثر و جذاب بودن آن برای دانش‌آموز دارد به توضیح اهمیت، تاریخچه، اصول طراحی بازدید علمی، اجزای اصلی بازدید علمی و چگونگی گزارش‌نویسی اختصاص دارد. مؤلفان لزوم اختصاص یک فصل از کتاب را به این موضوع چنین توضیح می‌دهند: «بازدید علمی به جهت حضور دانش‌آموز در محیط آموزشی و مشاهده مستقیم و دیدار از یک محیط ترکیبی سؤال برانگیز یکی از ارزشمندترین روش‌های آموزش جغرافیاست که متأسفانه به دلایل مختلف به شکل فعال، صحیح و برنامه‌ریزی شده انجام نمی‌گیرد».

جامعه امروزی ما با دانش‌آموزان در محیط خارج از آموزشگاه بیگانه است. افراد جامعه تصور می‌کنند که آموزش باید فقط در چهارچوب آموزشگاه صورت بگیرد. حال آنکه دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه و محیط جغرافیایی تربیت می‌شوند و این امر در یک چهارچوب بسته و دور از محیط و مردم امکان‌پذیر نیست.

با گنجانیده شدن بازدیدهای علمی به شکل مستقیم در برنامه درسی، معلمان باید با برنامه‌ریزی دقیق، چگونگی اجراء و بهره‌گیری علمی از این روش آشنا شوند. فصل دوم کتاب اطلاعات جامع و مناسبی را در اختیار مجریان بازدید علمی قرار می‌دهد. در این بخش چگونگی نوشتن گزارش بازدید علمی و همچنین سیاهه‌هایی به منظور ارزیابی معلم از کار دانش‌آموز و گزارش‌های آنها و همچنین تهیه‌کنندگان گزارش از خود درج گردیده است.

و در هر مورد مثال‌هایی ارائه می‌گردد. انواع سئوالات، چگونگی ارزشیابی از فعالیت‌های تحقیقی و ارزشیابی از طرح نقشه‌ها (نقشه‌های گنگ) نیز در این فصل مورد بحث قرار گرفته است و معلمان با مطالعه این فصل می‌توانند حیطه‌ها و چگونگی طراحی آزمون‌های خود را مورد بررسی و بازنگری قرار دهند.

فصل چهارم کتاب به طراحی تدریس می‌پردازد. طراحی تدریس سازماندهی دقیق و منطقی فعالیت‌ها و مطالب آموزشی است که برای تدریس یک موضوع خاص باید به آنها توجه نمود. در طراحی تدریس خوب باید برنامه درسی را شناخت، مطالب و سرفصل‌های مورد تدریس را به خوبی فهمید، فعالیت‌ها و ابزارهای تدریس را سازماندهی کرد و بالاخره آنها را در ظرف زمانی مناسب و دقیق در هر جلسه درس در کلاس به اجراء در آورد. در واقع طراحی تدریس را می‌توان بخش مدیریتی معلم فرض کرد. در این فصل نمونه طرح درس‌های کلی سالانه و روزانه به چاپ رسیده است.

بخش انتهایی فصل چهارم که بخش پایانی کتاب نیز می‌باشد به مبحث «سیاهه ارزشیابی» اختصاص یافته است. معرفی و درج انواع سیاهه‌ها (چک لیست‌ها) هم در فصول مختلف کتاب و هم به عنوان یک مبحث جداگانه از نکات برجسته و در واقع معرفی راهکار مناسب دیگری در این کتاب می‌باشد.

همانطور که مؤلف در ضرورت طرح این بحث نوشته است، موضوع استفاده از سیاهه «چک لیست» به عنوان ابزاری برای ارزشیابی مدتهاست که در سیستم‌های پیشرفته آموزشی کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد اما متأسفانه در کشور ما کمتر به این ابزار ارزشمند بها داده‌اند.

در این بخش انواع سیاهه‌ها (چک لیست‌های فردی، گروهی، ارزشیابی معلم از کار دانش‌آموز و کارگروهی آنها، ارزشیابی دانش‌آموزان از کار خود و از کار معلم، ارزشیابی معلم جغرافیا از کار خویش و ... معرفی و درج شده است.

از آنجایی که در تهیه و تنظیم چک لیست‌ها به عنوان ابزاری ساده و مناسب در امر اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی و ارزشیابی از فعالیت‌های دانش‌آموز و معلم، هیچ مدرک قطعی و چهارچوب مشخصی در منابع مختلف قید نشده است، معرفی نمونه‌هایی از این سیاهه‌ها در کتاب می‌تواند الهام بخش معلمان مبتکر و نوآور باشد و به آنها در تکمیل و طراحی انواع سیاهه‌ها و همچنین پذیرش و گسترش این نوآوری جدید آموزشی کمک کند.

در مجموع انتشار کتاب «راهکارهای آموزش جغرافیا» با ارائه و گردآوری تصاویری روشن از راهکارهای متنوع و در راستای توسعه و تعمیق مسائل مربوط به آموزش جغرافیا گامی مثبت به شمار می‌آید. این کتاب راهنمای عمل برای مربیان جغرافیا در همه سطوح می‌باشد و شایسته و لازم است که در کتابخانه هر آموزشگاهی که در آنجا جغرافیا تدریس می‌شود نیز به عنوان مرجعی سودمند نگهداری شود. □

◀ هدف کتاب "راهکارهای آموزش جغرافیا" آگاه ساختن معلمان و دبیران از شیوه‌های نوین آموزش جغرافیا، ارزش و چگونگی انجام بازدیدهای علمی، نحوه ارزشیابی این درس و بالاخره طراحی تدریس می‌باشد.

◀ از آنجایی که تاکنون اغلب برنامه‌های ضمن خدمت و آموزش معلمان بر محور سخنرانی اساتید پیرامون موضوعات تخصصی پایه‌گذاری شده و به روش‌ها و راهکارها کمتر توجه شده است، تألیف کتاب حاضر راهنمایی سودمند برای کاربرد روش‌ها و شیوه‌های نوین توسط معلمان فراهم می‌آورد.

فصل سوم کتاب به ارزشیابی درس جغرافیا اختصاص دارد. ارزشیابی در روش فعال باید مقدمه و استمراردهنده برنامه درسی و فرآیند تدریس به حساب آید و بخشی از فرآیند یاددهی - یادگیری است و جدا از آن و در انتهای آن قرار نمی‌گیرد بلکه امری مستمر و پویاست و ثمراتی بسیار بیش از آنچه تصور می‌شده دارد. در این فصل انواع ارزشیابی، سطوح شش‌گانه یادگیری و ارزشیابی از هر سطح مورد بحث قرار می‌گیرد

نویسنده کتاب استاد تاریخ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دیژون و انستیتو مطالعات سیاسی استراسبورگ بوده است. از وی آثار دیگری نیز به چاپ رسیده که عمده آنها به تاریخ سالهای پس از جنگ جهانی دوم اختصاص دارد. از این میان میتوان از آثاری چون از اتحاد مقدس تا پیمان اتلانتیک، بحران آلمان و فرانسه در سالهای ۱۸۶۰ - ۱۸۵۹ از شاهزاده لاین ligne تا ویستون چرچیل و کتاب مشکلات بزرگ بین‌المللی امروز خاورمیانه یاد کرد.

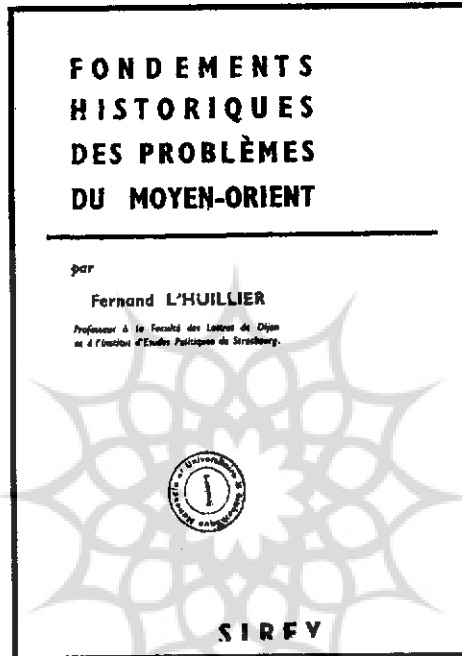
اگرچه نوشته‌های بسیاری به زبان‌های مختلف اروپایی پیرامون اوضاع خاورمیانه در قرن بیستم به چاپ رسیده اما غالب ترجمه‌ها از منابع روسی و با چارچوب تفکرات مارکسیستی حاکم بر مکتب تاریخ‌نگاری شوروی سابق صورت گرفته است. آثار انگشت شماری از نویسندگان برجسته سایر کشورها در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار گرفته است. آشنایی با کتاب‌هایی که به دیگر زبانهاست برای محققان تاریخ ضرورتی اجتناب ناپذیر است. و معرفی این آثار می‌تواند اولاً آشنایی با تحقیقات و مطالعات خارجی پیرامون موضوعات تاریخی را فراهم کرده، ثانیاً دستیابی و ترجمه آثار محققان برجسته را ممکن سازد. کتاب حاضر شامل مقدمه، چهار فصل، نتیجه‌گیری و کتابشناسی بسیار ارزشمندی است که در آن نویسنده آثار و منابع دست اول و اسناد سیاسی وزارتخانه‌های مختلف را معرفی می‌نماید. مقدمه این کتاب چنین آغاز می‌شود: «از اواسط قرن ۱۵ و برای بیش از سیصد سال، امپراتوری ترک، که بر سه قاره حاکمیت یافته بود افق‌های مدیترانه را بر روی اروپایی که به دنبال سیطره‌جویی بود فرو بست. بدون تردید نیروی امپراتوری ترک از قرن ۱۸ به وضوح رو به زوال گذاشت و مسئله تجزیه و تلاشی آن از اهداف اصلی «مسئله شرق» به حساب می‌آمد. اما تا این زمان متلاشی شدن آن فقط در اروپا مطرح بود. فرایندی که در سایر جاها با مشکل روبرو شده بود به شکلی که غرب به نادیده گرفتن جهان وسیع عرب یا عربی که توسط ترکان اداره می‌شد ادامه می‌داد. از اینرو جهان عرب در انزوا بسر می‌برد».

چگونه اعراب از این انزوا بیرون آمدند؟ این سؤال اصلی کتاب است که به دنبال آن نقش قدرت‌های استعماری در خیزش اعراب علیه عثمانی و ورود آنها به جنگ جهانی اول مورد بررسی دقیق این کتاب قرار می‌گیرد. نویسنده می‌گوید: «این واقعیت است که ابتدا ونیزیان و سپس فرانسویان به حمایت از بازگنان خارجی خود برآمدند و به خاطر آنچه که به موجب کاپیتولاسیون ۱۵۸۱ م، بدست آورده بودند، به حماسه «آزادگان» که به موجب آن مسیحیان برای زمانی طولانی در حوزه مدیترانه شرقی تفوق داشتند نائل آمدند. این فرانسویان و این آزادگان مفاهیم انسانی، فرهنگی و اقتصادی لوانت (شرق ثروتمند) را مستمسک دستیابی به لبنان و سوریه و مصر قرار دادند.» در این مقدمه پانزده صفحه‌ای نویسنده سعی

معرفی کتاب:

بنیادهای تاریخی مشکلات خاورمیانه

• دکتر مسعود مرادی



FONDEMENTS HISTORIQUES
DES PROBLÈMES DU MOYEN
ORIENT

Fernand L'Huillier

نویسنده: فرناند لوتیلیه

زبان: فرانسه، انتشارات سیرفی Sifry ۱۲۲ ص، ۱۹۵۸، فرانسه - پاریس

دارد مبانی نظری کار خود را به خوبی ترسیم کند و ایجاد دولت اسرائیل به عنوان فرزند ناخلف استعمار را به درستی تبیین کند.

فصل اول کتاب به وقایع تاریخی قرن ۱۹ اختصاص یافته است که به ترتیب به بررسی سیاست‌های فرانسویان، انگلیسی‌ها و روس‌ها می‌پردازد. وی سپس از فرایند روح تفوق جویی اعراب در امپراتوری عثمانی سخن به میان می‌آورد. این بخش از صفحه ۱۶ تا ۴۸ را در بر می‌گیرد.

دومین فصل کتاب به جنگ جهانی اول و

توطئه‌های سیاسی اختصاص یافته است. به نوشته لوتیلیه هنگامی که گمان می‌رفت کشور قدرتمند آلمان به پیروزی‌هایی دست خواهد یافت، سلطان در جنگ وارد شد و شیخ الاسلام فتوای جنگ مقدس را اعلام داشت. جنگی که علیه توافق انگلیسی‌ها و روس‌ها در ۱۹۱۴ م، به راه افتاد. او به بررسی روابط دوستانه اعراب و انگلیسی‌ها در سالهای ۱۹۱۷ - ۱۹۱۴ م، می‌پردازد و پرده از همکاری تنگاتنگ آنان علیه امپراتوری عثمانی بر می‌دارد، با پیروزی انگلیس، فرانسه و روسیه در جنگ جهانی اول سرزمین‌های عرب چهره تازه‌ای پیدا کرد. انگلیس و فرانسه خاورمیانه جدیدی پدید آوردند.

این چهره با فریب آزادی قاهره، فلسطین، سوریه، بین‌النهرین تحت حاکمیت دولت‌های محلی ترسیم گردید و زمینه مداخلات گسترده اروپائیان را فراهم کرد. نویسنده در این قسمت به بررسی توافق‌هایی که بر سر تقسیم سرزمینهای عربی صورت گرفته بود می‌پردازد. سومین فصل کتاب به تحولات جهانی و مشکلات کنترل اروپایی‌ها بر خاورمیانه اختصاص یافته است. ظهور ترکیه جدید پس از جنگ جهانی اول یعنی شکست امپراتوری عثمانی و حذف خلافت با تاسیس جمهوری ترکیه همراه بود. نویسنده این روند را مورد مطالعه قرار داده و سپس به تحولات ایران می‌پردازد. ایران در این زمان با مشکلات عدیده داخلی و خارجی روبرو بود و زمینه برای تغییر سلطنت فراهم می‌گردید. تحولات مصر و نقش حزب و فد در آن، موضوع عراق و ماوراء اردن و همچنین سرنوشت لبنان و سوریه از سایر موضوعات این فصل است. توجه به فلسطین اگرچه اندک است اما ناسیونالیسم و پان عربیسم در سرزمینهای عرب بطور مفصل مورد بحث قرار گرفته است. نقش قدرتهای خارجی در تحولات سیاسی سرزمینهای عرب بخصوص سیطره انگلیسی‌ها و موقعیت‌های فرانسویان با در نظر گرفتن اهمیت پان عربیسم راه‌ها و نفت مورد ارزیابی نویسنده قرار گرفته است.

چهارمین بخش این کتاب درباره جنگ جهانی دوم و تاثیر آن در خاورمیانه است. خلیج فارس و نفت فلسطین و ایجاد زمینه‌های دولت اسرائیل، سرزمینهای عربی و نفت آن همه از مسائلی است که بر اهمیت استراتژیکی خاورمیانه در آغاز جنگ جهانی دوم می‌افزاید. توجه نویسنده به این مهم و شکل‌گیری رقابت‌ها که مورد توجه اوست جای بسی تأمل دارد. کشورهای فرانسه، انگلستان و آمریکا نقش‌های اساسی در تحولات خاورمیانه بازی کردند و هر یک در صدد ایجاد منطقه نفوذ برای خود برآمدند. وجود کمپانی‌های نفتی انگلیسی و آمریکایی خاورمیانه را در معادلات قدرت به صفحه بازی شطرنج تبدیل کرد که مهره‌های آن مناطق نفت و بازیگران آن قدرتهای بزرگ بودند. این مناسبات بطور خلاصه و فشرده‌ای مورد توجه نویسنده کتاب قرار گرفته است. کتاب با نتیجه‌گیری و درج کتابنامه‌ای بسیار غنی به پایان می‌رسد.